

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۵، پیاپی ۱۲۵، پاییز ۱۳۹۶

مواجهه مجلس شورای ملی و ساختار کهن قدرت: تحلیلی از واکنش دربار و شاهزادگان به اصلاحات مالی مجلس اول^۱

توران طولابی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۵

چکیده

تشدید بحران مالی ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ضرورت ساماندهی نظام مالی، این امر را در صدر دغدغه‌های نخستین مجلس شورای ملی قرار داد. تشکیل کمیسیون مالیه و یکی از اقدامات آن یعنی تنظیم صورت دخل و خرج و کاستن از حقوق و مستمری‌ها به این منظور صورت گرفت. این اقدامات به نوبه خود، واکنش عناصر ذی‌نفع ساختار کهن را به دنبال داشت و آنها را در برابر ساختار جدید و در رأس آن، نهاد پارلمان قرار داد. در مقاله پیش رو تلاش شده است ابعاد این مواجهه در بستر سیاسی‌اش کاویده شود. پرسش محوری آن عبارت است از این که اقدام مجلس اول در کسر حقوق و مستمری‌ها چه تأثیری بر

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.13842.1284

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان؛ toolabi.t@lu.ac.ir

مواجهه مجلس و ساختار کهن قدرت داشت؟ نقطه کانونی این تحقیق که با تکیه بر مطالب مندرج در صورت مذاکرات مجلس و مبتنی بر یک الگوی توصیفی - تحلیلی مشخص شده، واکنش رده‌های بالایی منظومه قدرت است. نتیجه نشان می‌دهد که اقدام مجلس در کسر حقوق و مستمری‌ها، واکنش دو سطح از هسته مرکزی قدرت و وابستگان آن شامل شاه و دستگاه سلطنتی و شاهدگان را برانگیخت. این واکنش در قالب عریضه نویسی، تحسن در مجلس و اعتراض به این نهاد نوپا جلوه یافت.

واژه‌های کلیدی: مجلس شورای ملی، کمیسیون مالیه، حقوق و مستمری.

مقدمه

بحران نظام مالی ایران در آستانه انقلاب مشروطه و ضرورت ساماندهی مجدد به آن، نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی را بر آن داشت تا این امر را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند. تشکیل کمیسیون مالیه طرح نوی بود که نمایندگان به این منظور درانداختند. این کمیسیون طرحی تدوین کرد که یکی از مواد آن کاستن از مداخل، حقوق و مستمری‌ها بود. عملکرد کمیسیون مالیه واکنش عناصر ذی‌نفع در ساختار کهن^۱ قدرت شامل شاه و دستگاه سلطنتی و شاهدگان را در پی داشت که فرادستی پیشین آنها در وضعیت جدید با مسئله مواجه شده بود. این مسئله تاکنون موضوع پژوهش مستقلی نبوده است. تشکیل بانک ملی و لغو نظام تیول در مجلس اول شورای ملی بیش از موضوع کسر حقوق و مستمری‌ها در کانون توجه پژوهشگران بوده است.^۲ در پژوهش‌های عیسوی

۱. برای آگاهی از عناصر متعلق به ساختار «کهن» قدرت بنگرید به: اکبری، محمدعلی (۱۳۸۵). «بررسی تحلیلی چالش‌های سیاسی در نخستین تجربه مشروطه ایران (۱۳۲۶-۱۳۲۴ه.ق)»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۲، ۴۹-۷۶؛ همو، (۱۳۸۴). «ویژگی‌های اساسی ساختار قدرت دولت قاجاری» در: **چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار (مجموعه مقالات)**. تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران. صص ۱۳-۵۰.

۲. بنگرید به: شاهدی، مظفر (۱۳۷۸)، «مجلس اول مشروطه، بحران‌های مالی و طرح تأسیس بانک ملی». تاریخ معاصر ایران. س ۳. ش ۱۰. صص ۱۳۳-۱۷۰؛ همو (۱۳۸۸). «نقش بانک استقراضی در جلوگیری از تأسیس بانک ملی و

(۱۳۶۲) و لمبتون (۱۳۷۷) که اشاره‌ای بسیار گذرا به مقوله کسر حقوق و مستمری‌ها آمده، مسئله واکنش هسته مرکزی قدرت به اقدامات مجلس اصولاً مغفول مانده است.^۱ ملائی توانی در گفتاری به ریشه‌های اقتصادی ناپایداری مشروطه پرداخته است، اما نقش مسائل اقتصادی در انقلاب مشروطه را از یک چشم‌انداز فراگیر تحلیل کرده و به مسئله مالی در مجلس اول ورود نکرده است.^۲ ططری و یزدانی در مقاله‌ای با محوریت کمیسیون‌های تخصصی مجلس اول شورای ملی ضمن ارائه توصیف دقیقی از تجربه تشکیل کمیسیون‌ها در نخستین تجربه پارلمانی ایرانیان بر عملکرد کمیسیون مالیه در نخستین مجلس شورای ملی تمرکز کرده‌اند. نویسندگان مذکور ذیل بررسی عملکرد کمیسیون مالیه به مقوله کسر حقوق و واکنش محمدعلی‌شاه به این اقدام اشاره کرده‌اند.^۳ در پژوهش حاضر با هدف بررسی دقیق این موضوع و ابعاد مختلف آن، تلاش شده است که نخست گزارشی تفصیلی

بانک آلمانی در ایران عصر مشروطه». *تاریخ معاصر ایران*، س ۸، ش ۳۰، صص ۶۹-۱۰۴؛ آقاحسینی، علی‌رضا (۱۳۸۶). «اقدامات مالی مجلس اول مشروطه تابعی از سیاست: تحلیل گفتمانی ناکارآمدی مجلس اول مشروطه. تاریخ روابط خارجی، ش ۳۳، صص ۲-۳۱؛ کاظم‌بیگی، محمدعلی (۱۳۸۹). «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران». تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا. سال بیستم. دوره جدید، ش ۶. پیاپی ۸۵، ۱۶۳-۲۰۳.

۱. عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. تهران: گستره. لمبتون، آن. (۱۳۷۷). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۳۱؛ نیز بنگرید به: مصدق، محمد، *خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات محمدعلی علمی، ص ۳۸. در این میان اثر فلور که بر مسئله مالی در ایران متمرکز شده است در چند قسمت به این موضوع اشاره‌هایی شده است و بالطبع با توجه به موضوع پژوهش واکنش‌های عناصر ذی نفع قدرت در مرکز توجه نبوده است. بنگرید به: فلور، ویلم (۱۳۹۴). *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران، صص ۶۱۷-۶۱۸. مروارید هم در اثر خود اشاره‌ای به این کسری حقوق‌ها کرده است: مروارید، یونس (۱۳۷۷). *از مشروطه تا جمهوری، تگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت*، تهران: اوحدی، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲- ملائی توانی در این گفتار ضمن اشاره به ساختار سیاسی و اقتصادی ایران این موضوع را بررسی کرده است که چگونه این ساختارها در کنار هم - و البته با واکاوی علل دیگر - باعث شد تا نظام مشروطه به صورت ناپایداری در ساختار سیاسی جلوه گر شود. بنگرید به: ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۱). *مشروطه و جمهوری، ریشه‌های ناسامانی نظم دموکراتیک در ایران*، تهران: گستره، صص ۸۲-۹۱.

۳- ططری، علی، سهراب یزدانی (۱۳۹۰)، «کمیسیون‌های تخصصی در نخستین مجلس شورای ملی»، تاریخ ایران، شماره ۶۸/۵، صص ۱۱۷-۱۳۸.

از روند کسر حقوق و مستمریات ارائه و سپس، بازتاب این تغییر در دو سطح از هسته مرکزی قدرت یعنی شاه و دستگاه سلطنتی و شاهزادگان بررسی شود.

داده‌های استخراج شده از منابع برای این پژوهش را می‌توان ذیل دو مقوله دسته‌بندی کرد: نخست داده‌های کمی شامل میزان کسری حقوق و مستمری‌ها و دوم گزارش‌ها و مطالبی که بیشتر بازخورد و واکنش به این اقدام مجلس را منعکس کرده‌اند. درباره‌ی دسته نخست، تکیه اصلی این پژوهش بر اطلاعاتی است که از صورت مذاکرات مجلس شورای ملی و مجموعه خاطرات عین السلطنه استخراج شده است. مذاکرات مجلس دربردارنده اطلاعاتی از میزان کسری حقوق و مستمری‌ها و نیز جلوه‌هایی از مخالفت به‌ویژه در قالب عرایضی است که معترضان به این طرح نوشته‌اند.^۱ خاطرات عین السلطنه منبع دیگری است که اطلاعات متمایزی درباره موضوع این پژوهش دارد اما کمتر توجه محققان را برانگیخته است. عین السلطنه اطلاعات مفیدی درباره میزان کسر شده حقوق و مستمری شاهزادگان ارائه داده است که در کمتر منبعی آمده است. درباره‌ی وجه دیگر مسئله یعنی واکنش سطوح مختلف به اصلاحات مالی مجلس، افزون بر دو منبع مذکور در منابع دیگری همچون آثار شریف کاشانی و تفرشی نیز اطلاعاتی ارائه شده است. وانگهی، در آثار کسانی چون دولت‌آبادی، احتشام السلطنه و برخی روزنامه‌ها نیز اطلاعات سودمندی درباره واکنش این دو سطح به اصلاحات مالی آمده است. نگرش مشروطه‌خواهان به مقوله کسری حقوق و مستمری نیز در این دسته از منابع بازتاب یافته است. هرچند در نهایت نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که اطلاعات آماری دقیق در این زمینه به‌سختی یافت می‌شود و لذا ارائه روایت منسجمی را از موضوع با دشواری مواجه می‌کند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا این اطلاعات در قالب یک الگوی توصیفی-تحلیلی و با عنایت به زمینه تاریخی موضوع، تجزیه و تحلیل شود. پاسخ اولیه به پرسش مقاله این است که اصلاحات مالی در قالب تنظیم صورت دخل و خرج و کسر حقوق و مستمری‌ها واکنش عناصر ذی‌نفع از ساختار کهن قدرت را به دنبال داشت. هسته سخت

۱. با توجه به این که این چاپ از مذاکرات و چاپ مجلس در برخی گزارش‌ها به لحاظ پوشش اطلاعات یکسان نیستند، به منظور دقت حداکثری از هر دو چاپ بهره گرفته شده است.

این ساختار را یک شبکه متشکل از شاه و دستگاه سلطنتی و شاهزادگان بزرگ تشکیل می‌دادند که مقاومت آنها در برابر اصلاحات مالی، نهاد نوپای مجلس را در تنگنایی جدی قرار داد و عاملی مؤثر در تضعیف مجلس اول بود. رهیافت نظری این پژوهش تاریخ خُرد (microhistory) است که به محقق اجازه می‌دهد تا با تمرکز بر یک مقوله خرد، بر زوایای نامکشوف مسئله‌ای بزرگ‌تر پرتو افکند و درک روشن و دقیق‌تری از ابعاد آن مسئله ارائه دهد.^۱ در این جا، پرسش اصلی متوجه کیفیت واکنش ساختار کهن قدرت به تغییرات ساختاری ناشی از انقلاب مشروطه است. از این رو، هسته مرکزی این ساختار انتخاب شده است زیرا به نظر می‌رسد جدی‌ترین مقاومت را در برابر این تغییرات داشت. وانگهی مقوله مالی در کانون تحقیق قرار گرفته است، زیرا یکی از عینی‌ترین جلوه‌های تغییرات مذکور بود. تحلیل واکنش شاه، درباریان و شاهزادگان به اصلاح دریافت‌های مالی‌شان، بدان‌سان که در گزارش‌ها و منابع پراکنده بازتاب یافته است، می‌تواند ما را به دریافتی هرچند نسبی از ابعاد کلی‌تر موضوع هدایت کند. در عین حال، این پژوهش در قالب یک بررسی تحلیلی و آماری انجام می‌شود با این هدف که تا حد امکان به شواهد معتبرتری دست یابیم. همچنین، با هدف تحلیل بهتر مسئله، موضوع در دو سطح صورت‌بندی شده است. این دو سطح را می‌توان در قالب یک شبکه به هم پیوسته ترسیم نمود که کنش و رفتار هر یک پیوندی طبیعی با سطح دیگر دارد. با وجود این، الگوی رفتاری و منافع عناصر مقوم هر سطح امکان تمایزگذاری نسبی میان آنان را فراهم می‌کند. پیش از پرداختن به مسئله اصلی ترسیم یک چشم‌انداز از زمینه موضوع ضرورت دارد.

مجلس اول شورای ملی و مسئله مالی

از همان روز که غرامت سنگین شکست در جنگ دوم ایران و روس خزانه شاه را خالی کرد تا زمانی که بحران مالی مزمن به ورشکستگی و استقرای پی‌درپی از روس و انگلیس

۱. بنگرید به:

Peltonen, Matti, *What is Micro in Microhistory?*, in: [Edited by] Hans Renders, Binne de Haan, *Theoretical discussions of biography, approaches from history, microhistory and life writing*, Boston/ Leiden: Brill, 2014, pp. 105-118; Brown, Richard, D. *Microhistory and the Post-Modern challenge*, in: *Ibid*, pp. 119-128.

انجامید، مسئله مالی همچون خاری در پای دولت قاجار می‌خلید. از دهه آخر عصر ناصری فزونی گرفتن خرج بر دخل شتاب بیشتری گرفت. علت آن هم مسائل مختلفی از جمله مخارج گراف و درآمدهای ناکافی بود. اصولاً نظام بودجه به معنای مدون آن تعریفی در سازوکارهای اقتصادی دولت نداشت. پیشی گرفتن خرج و هزینه دولت از مداخل آن، که خود نتیجه مجموعه‌ای از عوامل داخلی و بین‌المللی بود، به استقراض‌های مکرر انجامید و مالیه ایران را در بحرانی عمیق فرو برد.^۱ این امر در کنار بایسته‌های دیگری چون ضرورت استقلال کشور و رهایی آن از سلطه روس و انگلیس سبب شد تا پس از مشروطه، مجلس اول شورای ملی اصلاح مالیه را در کانون توجه خود قرار دهد.^۲ تشکیل کمیسیون مالیه و تلاش برای تدوین بودجه اقداماتی بود که به این منظور انجام یافت.

فعالیت کمیسیون مالیه که یکی از جدی‌ترین کمیسیون‌های مجلس بود، با ریاست وثوق‌الدوله آغاز شد و سروسامان‌دادن به حقوق و مستمری‌ها در حیطه وظایف آن قرار گرفت.^۳ در این زمان، عایدات کشور پانزده کرور و خرج آن بیست و یک کرور بود و کمیسیون با هدف جبران کسری شش کروری فعالیت خود را آغاز کرد (مذاکرات،^۴ ۳ شوال ۱۳۲۵: ۴۸۶؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲/۱۵۳).^۵ بخشی از این خرج‌ها از دید کسانی چون مستشارالدوله «موجب و مرسوم بلااستحقاق و خرج تراشی‌های مالایطاق و کثرت عنوانات» بودند که به «هرج و مرج مالیه» انجامیده بود (مستشارالدوله، ۱۳۶۱: ۴۱/۲-۴۲). مجلس می‌بایست به جدال وضعیتی همت می‌گماشت که به تعبیر تقی‌زاده «ترتیبات اجتماعی چندصدساله» بود (تقی‌زاده، ۱۳۳۷: ۸)؛ ترتیباتی که ساختار ریشه‌دار قدرت به آن خو گرفته بود.

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: فلور، ۱۳۹۴: ۵۷۹؛ مصدق، بی‌تا: ۳۸؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۲۵؛ آدمیت، ۱۳۷۸: ۲۶۵.

۲۶۷-۲۶۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۶۴؛ جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۰، ۱۵۷.

۲. اشرف مذاکرات مجلس را درباره امور مالی و اقتصادی بیست درصد از کل مذاکرات این دوره دانسته است.

بنگرید به: اشرف، ۱۳۵۹، ۱۲۰.

۳. برای آگاهی از کمیسیون مالیه و تغییراتی که در طول مجلس اول در آن ایجاد شد بنگرید به: **مذاکرات**، ۲۴ شوال ۱۳۲۴، ۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴. مقاله‌ی طبری / یزدانی به صورت واکاوانه‌ای به دلایل این تغییرات و کم و کیف آن پرداخته است.

۴. در سراسر متن مراد از **مذاکرات**، مذاکرات مجلس اول شورای ملی است.

۵. نیز بنگرید به: براون، ۱۳۳۸: ۲۵۸.

اما افزون بر موانع ساختاری که پیش روی این کمیسیون بود، مشکلات فنی نیز کم نبود. از جمله این که صورت جمع و خرج کلی که سال به سال نوشته شده باشد در اختیار نبود، زیرا این اقدام چند سال یک بار آن هم در صورت ضرورت انجام می شد. از این رو کمیسیون براساس همان چند صورت موجود کار خود را آغاز کرد (مذاکرات، ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۴: ۹۲). اینها در کنار مانع تراشی مخالفان و نیز بی تجربگی نمایندگان و پراکنده شدن مباحث در برخی جلسات کار را بر کمیسیون سخت کرده بود (مذاکرات، ۹ ربیع الاول ۱۳۲۵: ۲۱۴؛ روزنامه خاطرات شرف الدوله، ۱۳۷۷: ۱۳۳). اما روی هم رفته کمیسیون کار خود را با پشتوانه مجلس پیش می برد و افزون بر آن حمایت های خارج از مجلس همچون انجمن های هوادار مشروطه را هم با خود داشت (مذاکرات، ۹ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۵؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۸).

کمیسیون مالیه در نهایت لایحه ای تنظیم کرد که در آن ترتیب و قاعده پرداخت حقوق و مستمری ها مشخص شده بود. لایحه مذکور جز این که تأکید کرده بود «محل مواجب» باید مشخص باشد، برای شاهزادگان بزرگ همچون عموها و برادرهای شاه هم مبلغ معینی حقوق بالغ بر ۱۲ هزار تومان پول و دویست خروار جنس مشخص کرد.^۱ برای وزرا هم پنج و شش هزار تومان «حد اعلی» حقوق در نظر گرفته شد (مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۴ شوال ۱۳۲۵: ۳۹۲).^۲ قریب ۵۰۰ هزار تومان کل مبلغ کسر شده تنها از مستمری سیزده نفر کسر شد. پیش از این، شعاع السلطنه ۱۱۵ هزار تومان، شاهزاده ظل السلطان ۷۵ هزار تومان و نایب السلطنه ۲۹ هزار تومان مستمری داشتند که همگی به ۱۲ هزار تومان کاسته شد (مذاکرات، ۳ شوال ۱۳۲۵: ۴۷۶).^۳

۱. بند هفتم لایحه کمیسیون مالیه که در مجلس ارائه شد بدین ترتیب بود: «حد اعلی مواجب شاهزاده، شاهزادگان بزرگ طبقه اولی از قبیل اعمام و اخوان سلطنت کبری به دوازده هزار تومان و دویست خروار جنس و حد اعلی حقوق شخصی وزراء عظام به پنج و شش هزار تومان مقرر شده. در حقوق سایر طبقات اعیان و اشراف به تفاوت مقام و با رعایت ملاحظه جرح و تعدیل شده»، بنگرید به: **مشروح مذاکرات مجلس**، ۱۴ شوال ۱۳۲۵.

۲. برای تکمیل اطلاعات مذاکرات چاپ غلامحسین میرزاصالح از این گزارش از چاپ مجلس استفاده شده است.

۳. نیز بنگرید به: کسروی، ۱۳۷۸: ۴۸۷؛ جمالزاده، ۱۳۸۴، ۱۵۱.

برخی از این شاهزادگانی که از حقوق آنها کاسته شد عبارت بودند از شعاع السلطنه، ظل السلطان، عضدالدوله، سالارالدوله و کامران میرزا نایب السلطنه، که البته بیشترین مواجب را شعاع السلطنه داشت. او به همراه پسر و مادرش حدود ۱۳۰ هزار تومان مواجب می گرفت و در کنار آن سیصد خروار غله هم دریافت می کرد؛ رقمی که گفته شده به اندازه مالیات قزوین و خمسه بود (مذاکرات، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۸؛ عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۱۸۸۵/۳). او دو بار در دوره مظفرالدین شاه والی فارس شد و ظاهراً هر دو بار حکومت او با شورش و فساد همراه بود (محبوبی اردکانی، ۱۳۸۰: ۲/۴۴۴). همو بود که بعداً وقتی شوستر آمریکایی در جهت اصلاح نظام مالی و اجرای احکام دولت، درصدد توقیف املاک و دارایی هایش برآمد، روس های دشمن مشروطه، حمایتش را دست آویز نیکویی برای فشار بر دولت و مجلس برای اخراج شوستر یافتند (شوستر، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

مجلس برای تعیین سازوکاری برای مقرری های بی حساب و کتاب نخست به سراغ محمدعلی شاه رفت و محدوده مالی و مقرری سالانه او را هم مشخص کرد. یک کرور پول نقد (معادل ۵۰۰ هزار تومان) به همراه پنج هزار خروار گاه برای «ولیعهد و اندرون و تمام بیوات سلطنتی» در نظر گرفته شد که حدود یک پانزدهم همه عایدات کشور بود. پیش از این، محمدعلی شاه ۸۸۰ هزار تومان پول نقد و پنج هزار خروار غله دریافت می کرد. در واقع ۳۸۰ هزار تومان از دریافتی دربار کم شد. هشتاد هزار تومان آن متعلق به ولیعهد بود که با توجه به انتقال به تهران کاسته شد. علاوه بر این، ۲۴۰ هزار تومان متعلق به مظفرالدین شاه و شصت هزار تومان «تدارک صندوقخانه» هم که پیش تر پرداخت می شد کسر شد. از این پول ۳۰ هزار تومان از آن شاه و باقی سهم کارکنان دستگاه سلطنتی بود (مذاکرات، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۸؛ ۱۴ شوال ۱۳۲۵).^۱ زنان دربار هم از اصلاحات مالی مجلس بی نصیب نماندند و پیشنهاد شد ماهی صد تومان برای آنان در نظر گرفته شود. در مجموع، مجلس اول «سه کرور و دویست و هفتاد هزار تومان نقد» و «شصت هزار خروار جنس» از مواجب و مقرری ها کاست (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۱۸۱۴/۳).

۱. این داده ها از سخنان وثوق الدوله، رئیس کمیسیون مالیه در مجلس استخراج شده است. کسروی مواجب و مستمری ولیعهد را ۷۲ هزار تومان ذکر کرده است. بنگرید به: کسروی، ۱۳۷۸: ۴۸۸-۴۸۹.

کسر حقوق و مستمری‌ها:

عرصه مواجهه مجلس شورای ملی و شاكلة کهن قدرت

زمانی که میرزاملکم خان در رساله «رفیق و وزیر»، از زبان وزیر به رفیق متذکر شد که در حکومت قانون باید بتوان از «مداخل پنجاه شصت تومانی» خود گذشت (میرزاملکم: ۵۸) گویا جلوه‌ای از جدال آتی دو ساختار را پیش‌بینی کرده بود. با شکل‌گیری نظام مشروطه، ساختار کهن قدرت در صدد برآمد تا فرادستی خود را در امور سیاسی و اقتصادی حفظ کند. در برابر، ساختار جدید نیز در تکاپوی تعریف جایگاه خود در شاكلة قدرت بود تا بتواند با تکیه بر نهادهای مدرن از جمله مجلس، شیوه سنتی حاکمیت را دگرگون کند. در میانه این کشاکش، تعدیل و اصلاح نظام پرداخت حقوق و مستمری‌ها صحنه یک مواجهه جدی میان این دو ساختار بود. کمیسیون مالیه مجلس با کاستن از حقوق و مستمری‌ها، جایگاه ممتاز و فرادستی گروهی اجتماعی را که می‌توان از آنان با عنوان «شبکه خاندان سلطنتی» نام برد به چالش کشید. اعضای این شبکه موقعیت حقوقی - عرفی معینی در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران عصر قاجار داشتند و واکنش آنها به اصلاحات مالی را می‌توان در دو سطح از هسته مرکزی قدرت یعنی شاه و دستگاه سلطنتی و شاهزادگان و بررسی کرد.

- سطح نخست:

مواجهه مجلس و دستگاه سلطنتی (شاه، بیوتات سلطنتی، اندرونی دربار)

دستگاه سلطنتی مجموعه عریض و طویلی بود که بودجه هنگفتی را می‌بلعید. مواجب چهار، ده و حتی پانزده هزار تومانی نوکرهای زمان مظفردالدین شاه و خرج و بخشش‌هایی که در عروسی برخی شاهزادگان و فرزندان آنها می‌شد تنها بخشی از هزینه‌هایی بود که صدای کسانی چون عین السلطنه را هم درآورده بود (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۲۴۴/۲، ۱۲۹۸). مجلس در جهت کاستن از هزینه‌های دربار گام برداشت. نمایندگان به کرات ضمن اشاره به این موضوع و برای پیش‌گیری از مواجهه با مجلس تأکید می‌کردند که باید زوایای امر روشن شود و طوری برنامه کمیسیون پیش رود که «همه ملتفت باشند که تعرضی به حقوق

اهل حقوق نشده چنانچه بعضی شهرت‌ها داده شده بود» (مذاکرات، ۳ شوال ۱۳۲۵: ۴۸۶). نمایندگان مجلس برای کاستن از این نگرانی و البته مقابله با پیامدهای آن بر بی‌بنیاد بودن تبلیغاتی که صورت می‌گرفت و ضرورت کسر از حقوق‌های بی‌حساب و کتاب تأکید می‌کردند. تقی‌زاده در یکی از جلسات چنین گفت: «در میان خلق افتاده شهرت‌ها می‌دهند که کمیسیون مالیه می‌خواهد حقوق مردم را کسر کند... اینجا صریحاً می‌گویند که ابداً از حقوق کسر نخواهد شد خصوصاً حقوق فقرا و همچنین از متوسطین مگر از شاهزادگان و کسانی که حقوق زیاد از برای خود ترتیب داده‌اند، به قدری که از حقوق یک رئیس جمهوری در خارجه بیشتر است» (مذاکرات، ۷ رجب ۱۳۲۵: ۳۵۲).

کسر ۳۸۰ هزار تومان از مخارج بیوتات سلطنتی و واکنش اعتراضی محمدعلی‌شاه را به همراه داشت و همین سبب شده بود که «بی‌نهایت دل‌تنگ» شود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲/۱۵۳). وی اعتراض خود را با این ادعا که با آن حقوق از گرسنگی خواهد مُرد، به احتشام‌السلطنه، رئیس مجلس اعلام کرد. با وجود این، دست کم در این موقعیت، تلاش او به جایی نرسید و احتشام‌السلطنه هم در پاسخ تنها توانست این اطمینان را به او بدهد که مقرری‌اش به موقع خواهد رسید (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۶۱۵-۶۱۶). سیر اسپرینگ ریس در نامه‌ای به سِر ادوارد گری، ضمن اشاره به این موضوع شاه را در موقعیتی توصیف کرد که ناچار به اطاعت از مجلس است. براساس این گزارش او برای به‌دست آوردن پول «بی‌تاب» شده بود، زیرا در این صورت، نمی‌توانست حقوق سپاهیان را پرداخت کند و در نتیجه آنان از اطاعت او سر باز می‌زنند (معاصر، ۱۳۵۲: ۲۹۲).

تدارک صندوقخانه	ولیعهد	مظفرالدین‌شاه
۶۰ هزار تومان	۷۲ هزار تومان	۲۴۰ هزار تومان

(موجب شاه و دستگاه سلطنتی)

هراس شاه از تغییر معادله‌های قدرت و انتقال فرادستی قدرت به مجلس وجه دیگری هم داشت. مجلس خواستار انتقال خزانه دولت به وزارت مالیه شد. محمدعلی‌شاه پس از اندک مقاومتی در نهایت به این امر تن داد اما در پس پرده دست به کار دسیسه علیه

مجلس شد. ظاهراً محمدعلی شاه راه چاره را در آن یافت که عملاً دربار یعنی قاطرچی‌ها، اصطلب داران، کالسکه‌خانه، پیشخدمت‌ها، باغبان‌ها، مهتر، ساریان، آبدارباشی، صندوق‌خانه و فراش‌ها را با این ادعا که مجلس حقوقشان را قطع کرده، علیه این نهاد نوپا برآشوبد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲/۱۵۴؛ شریف کاشانی، ۱/۳۶۲/۳۵۳؛ تقی‌زاده، ۲۵۳۶: ۵۲).^۱ این اقدام اعتراض شماری از این گروه را در پی داشت که نخست به بست‌نشینی در مسجد شیخ عبدالحسین و سپس به بلوایی دامنه‌دار علیه مجلس انجامید (تفرشی، ۱۳۵۱: ۵۰؛ تقی‌زاده، ۲۵۳۶: ۵۲).

ماجرای اعتراض‌ها و واکنش‌های اهل بیوتات ابعاد گسترده‌ای داشت و در طول فعالیت کمیسیون مجلس را به خود مشغول کرده بود. این نکته در سخن یکی از نمایندگان مجلس بازتاب یافت که اذعان کرد «این اشخاص که این اعتراض‌ها را می‌کنند اکثراً هیچ حقوقی ندارند گویا محرک داشته باشند. این اشخاص هرچه خواستند فتنه در این مملکت برپا کنند نتوانستند حالا می‌خواهند موجبات رنجش خاطر رئیس‌الوزرا و اعضای کمیسیون مالیه را فراهم نمایند» (مذاکرات، ۹ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۵).^۲ تقی‌زاده هم با اشاره به این اعتراض‌ها گفت: «... اگر این شورش‌ها را عملاً و سایرین نمایند حق است که ما جواب بدهیم... این گفتگوی بیوتات با اعلیحضرت است که قدغن فرمایند این گفتگوها نشود و اگر می‌گویند خیر خواهیم گفت که سالی سی هزار تومان از برای مخارج شخص سلطنت معین شده مابقی آنها را خودمان می‌دهیم و علاوه آن... این جرح و تعدیل به تصویب دولت و مجلس و ملت شده و قانونیت دارد باید مجری شود هرکس هرچه می‌خواهد باید از شاه بخواهد» (مذاکرات، ۹ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۵). نمایندگان مجلس با آگاهی از این مسائل به معترضان اطمینان دادند که حقوق آنها قطع نشده است. سپس نامه انجمن مرکزی را

۱. احتشام‌السلطنه در خاطرات خود فهرستی از کسانی را که مجلس از حقوق‌شان کاسته بود نام برده است. بنگرید به: احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۶۵۳-۶۵۴. برای بحثی در این زمینه و ارتباط آن با شکل‌گیری نخستین کودتای ایران یعنی به توپ بستن مجلس بنگرید به: یزدانی، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۸.

۲. همچنین در مجلس از «غرض شخصی» و «القاء شبهه»^۱ی برخی یاد شد که باید از آن جلوگیری شود. وکیل‌الرعايا هم به «غرض» آنها اشاره کرد. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس، ۹ شوال ۱۳۲۵. در جلسه‌ی بعد هم درست از واژه‌ی «القاء شبهه» استفاده شد: مشروح مذاکرات مجلس، ۱۰ شوال ۱۳۲۵.

خواندند که در آن تأکید شده بود «پاره‌ای اشخاص که همیشه درصدد انقلاب و القا مفسده و فسادند» درصدد مخالفت برآمده‌اند و در ابتدای کار «عمله شترخانه و قاطرخانه» را تحریک کرده‌اند. همچنین یکی از نمایندگان هم اذعان کرد که مخارج بیوتات باید با نظارت رئیس بیوتات سازمان‌دهی شود، زیرا در گذشته ممکن بود قاطرخانه علیق پانصد قاطر بگیرد اما آن قدر هم قاطر نداشته باشد و اگر دارد به اجاره داده باشد (مذاکرات، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۸-۴۹۹).

سخن حاج میرزا علی آقا یکی دیگر از نمایندگان مجلس هم دربردارنده همین مضمون بود: «...ارباب حقوق از اعلیحضرت گرفته تا ادنی رعیت بینند و متنبه شوند و به حرف مردم گوش ندهند که حقوق قطع شده است... ارباب حقوق باید بدانند که حقوق را باید از روی استحقاق گرفت این پول مثل پول بیت‌المال است هر که می‌گیرد از برای خدمت باید بگیرد». آقامیرزا ابوالحسن هم از «استحقاق» اشخاص برای گرفتن حقوق سخن گفت و این که نباید اشخاصی که «در خانه خودشان خوابیده و زحمت و خدمتی را متصدی» نبوده‌اند در زمره حقوق‌بگیران قرار داد (مذاکرات، ۳ شوال ۱۳۲۵: ۴۸۷).^۱ این سازوکار جدید طبعاً خوشایند طیف ممتاز و حقوق‌بگیر پیشین نبود و قرار نبود به آسانی پذیرفته شود. اما مجلس مصمم بود که چنین موانعی را از پیش رو بردارد تا جایی که ریاست وقت مجلس از ضرورت نثار خون در راه اجرای قوانین مجلس سخن می‌گفت (مذاکرات، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۹).

در میان وزاری دربار، نام امیربهادر به عنوان یکی از نمادهای گران‌جانی ساختار کهن قدرت در برابر مشروطه شهرت دارد. او پیش از مشروطه مداخلی از رهگذرهای متفاوت داشت و تنها در یک موقعیت با دریافت هزار تومان پیشکشی از حشمت‌الملک راه رسیدن او به حکومت طبس را هموار کرده بود (فلور، ۱۳۹۴: ۳۵۲). از او در همین مجلس اول در کنار کسانی چون نایب‌السلطنه و اقبال‌الدوله در زمره کسانی یاد شده است که مخلّ کارند

۱. حاج امام جمعه خوبی نیز از همین واژه بهره گرفت و اذعان کرد که «جمعی از روی بی‌استحقاقی» تاکنون ازین حقوق و مزایا بهره برده‌اند. بنگرید به: **مشروح مذاکرات مجلس**، ۳ شوال ۱۳۲۵: ۴۸۷. به باور برخی این افراد استحقاقی نداشتند و تنها به برکت «چاپلوسی در پیشگاه خاقان» به مدد معاش و مستمری رسیده بودند. بنگرید به:

و «حال شاه را منقلب می کنند» (مذکرات، ۱۹ رجب ۱۳۲۵: ۳۷۳). نقل است که گفته بود تا جان دارد نخواهد گذاشت عدالتخانه شکل بگیرد (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۱/ ۶۰-۶۱). زیرا به باور وی با برقراری حکومت قانون دیگر تفاوتی میان پسر پادشاه و یک بقال نخواهد بود و اعتبار و احترامی برای شاهزادگان باقی نمی ماند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲/ ۱۰۳-۱۰۴؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۳۸۵). سخن دهخدا نیز مبنی بر این که شرط همراهی امیربهادر با مشروطه ابقاء «تمام شئون اقتدار، چپاول و یغمای سابق»^۱ بود (افشار، ۱۳۵۸: ۳۱) اشاره دیگری به این مسئله بود. پیش از پرداختن به سطح دوم لازم است اشاره کنیم در میان کسانی که در برابر مجلس مانع ایجاد کردند از «قاطرچی ها، فراش ها و خادمان حرم» هم یاد شده است (احتشام السلطنه، ۱۳۶۸: ۶۵۳-۶۵۴). در ماجرای توپخانه هم این کارکنان بیوتات بودند که گرد آمدند و علیه مشروطه و مجلس شعار دادند. در نبود «دلیل سیاسی موجهی» برای مواجهه با مجلس، مسئله تعیین حقوق و مستمری ها دستاویز خوبی دست شاه داد تا کارکنان بیوتات را علیه این نهاد نوپا بشوراند (یزدانی، ۱۳۹۶: ۸۹؛ ۹۴).

بخشی از لایحه کمیسیون از حقوق و مستمری زنان خاندان سلطنتی کاست و سطحی از وابستگی به قدرت را در برابر مجلس نهاد. روند توسعه حرم و اندرونی که از روزگار فتحعلی شاه آغاز شده بود، هزینه های متنوعی به خزانه تحمیل کرد. امتیازات ویژه به زنان شاه محدود و منحصر نمی شد. برخی زنان دربار خود دسته های جداگانه موسیقی داشتند، «عمارت و مسکن و حیره و موجب و نوکر و خواجه سرای بازیگران حتی اسب سواری و طویله و امیر آخور و جلودارشان از اهل حرمخانه جدا بود» و افزون بر این، هر کدام برای خود کنیز و یا کنیزانی هم داشتند (جهانگیر میرزا، ۱۳۷۶: ۴۷-۴۸). مخارج حرم که زین العابدین مراغه ای آن را رقمی در حدود سه کروور برآورد کرده (مراغه ای، ۱۳۶۴: ۳۱۷)، در وضعیت جدید باید تعدیل می شد.^۱ روزنامه *ندای وطن* در در یکی از شماره های

۱. با گسترش دامنه ی حرمخانه، چنان دستگاه عریض و طویلی شکل گرفته بود که محبوبی اردکانی از آن با عنوان «وزارت حرمخانه» یاد کرده است. شاه افزون بر زنان عقدی، صیغه های متعددی هم داشت که با خدمتکاران شمار آنها به هزار و دویست می رسید. بر این ها باید جمعیت نوازندگان و مهمانان و دسته هایی از این قبیل را افزود که جمعیت «اندرونی» را به مراتب بیشتر می کرد بنگرید به: محبوبی اردکانی، ۱۳۸۰: ۲/ ۴۲۳. نیز بنگرید به: کرزن، ۱۳۶۲: ۱/ ۵۳۵؛

خود در کنار «طبقه ممتاز» یعنی درباریان، شاهزادگان، امیران و ارباب سیف و قلم، از «خواتین مکرمه و اهل طرب» نیز به عنوان کسانی یاد کرد که «مالک تمام مالیات دولت» بودند (ندای وطن، سال دوم ش ۲۴۶، ۶ ربیع الآخر ۱۳۲۶: ۱).

زنان درجه اول	زنان درجه دوم	زنان درجه سوم
۷۵۰ تومان	۲۰۰ تا ۵۰۰ تومان	۱۰ تا ۱۵۰ تومان

(موجب زنان دربار ناصری)

معیرالممالک، زنان ناصرالدین شاه را به لحاظ مبلغ مقرری به سه درجه تقسیم کرده است. به نوشته وی مقرری زنهای درجه اول ماهی هفتصد و پنجاه تومان، زنهای درجه دوم به تفاوت از دویست تا پانصد تومان و صیغه‌های درجه سوم نیز از صد تا صد و پنجاه تومان دریافت می‌کردند (معیرالممالک: ۱۴، ۲۴). اگر این مقدار را در کنار مقرری مجلس قرار دهیم مشخص می‌شود که از پایین‌ترین میزان دریافتی پیشین زنان هم کمتر بوده است. مجلس حقوق زنان را اصلاح کرد و به ماهی صد تومان کاهش داد (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۸۱۴). این اقدام طبعاً واکنش زنان را در پی داشت و «زوجات شاه شهید» به مجلس عریضه‌ای ارائه دادند و البته به آن هم قانع نشده، در صحن مجلس تحصن کردند. آنان در تحصن شان «لایحه» ای هم به نمایندگان مجلس دادند (مذاکرات، ۲۱ شوال ۱۳۲۵: ۵۱۴). آنها در لایحه اعتراضی خود به مجلس مدعی شدند که حقوق شان «آن قدرها نیست» که از آن کسر شود و درخواست کردند مجلس در این موضوع تجدیدنظر کند. به دنبال قرائت این لایحه بحثی در مجلس در گرفت. برخی نمایندگان آنان را «محترماتی» خطاب کردند که باید حرمت شان نگه داشته شود و برخی اذعان کردند که به «گریه و زاری» شان گوش نخواهند داد و بهتر است شاهزادگانی چون ظل السلطان و نایب السلطنه رعایت حال این زنان را بکنند نه مجلس (مذاکرات، ۲۱ شوال ۱۳۲۵: ۵۱۴).^۱ استواری مجلس در عملکرد خود زنان را هم به سطح دیگری از مخالفان تبدیل کرد، چنان که احتشام السلطنه «زنان و

۱. نیز بنگرید به: *خاطرات احتشام السلطنه*، ۱۳۶۸: ۶۲۵.

خواجه‌سرایان دربار ناصری و مظفری» را هم در میان فهرستی گنجانده است که به زعم او در ضدیت با مجلس و ایجاد مانع در برابر آن سهمیم بودند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۶۵۳-۶۵۴).

- سطح دوم: مواجهه مجلس و شاهزادگان

شاهزادگان بخش دیگری از منظومه سیاسی قدرت بودند که برخی از آنها مانند مسعود میرزا ظل‌السلطان، پادشاهی کوچکی برای خود دست‌وپا کرده بودند. از دو دربار استبدادی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه درباریانی چون مشیرالسلطنه، اقبال‌الدوله، کامران میرزا یا امیربهداد به جا مانده بودند که نمی‌توانستند با مجلس کنار بیایند زیرا مجلس بر آن بود راه مداخل غیرقانونی آنان را ببندد (یزدانی، ۱۳۹۶: ۷۵). به‌رحال ضدیت دربار و تلاش برای برگرداندن نظر شاه امری نبود که از دیدگان مشروطه‌خواهان دور بماند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۸۱/۴؛ اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴۰/۲). لذا در کنار دیگر مخالف‌ها سبب شده بود تا آنها در جدال دائمی با استبداد قرار گیرند (تقی‌زاده، ۱۳۵۹: ۹۷). ظل‌السلطان، کامران میرزا نایب‌السلطنه و ملک‌منصور میرزا شعاع‌السلطنه از بانفوذترین شاهزادگان قاجار در این دوره بودند که علاوه بر در اختیار داشتن املاک و مداخل گسترده، از خزانه نیز مبلغ چشمگیری حقوق دریافت می‌کردند. احتمالاً شاهزاده‌ای چون ظل‌السلطان که بر مناطق وسیعی از غرب، جنوب غربی و مرکز ایران حکم می‌راند و چه بسا هنوز در اندیشه جلوس بر اورنگ شاهی بود، گمان نمی‌کرد روزی برسد که ناچار شود برای ماندگاری مواجیش دست به دامن نمایندگان «مردم» شود. به هر روی، ورق بازگشته بود و مجلس در موقعیتی قرار داشت که این شاهزادگان بزرگ نیز باید به آن پاسخ می‌دادند. با وجود این، کمیسیون مالیة مجلس با فشارهای جدی از ناحیه این شاهزادگان مواجه بود. آقاسید محمدجعفر، نماینده شیراز خطاب به این شاهزادگان «مفت‌خور» مدعی شد که «حالا مالیه مملکت مال ملت است نتیجه زحمات رعیت بیچاره را به چهار نفر مفت‌خوار نمی‌شود داد» (مذکرات، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵: ۲۶۶).

نماینده دیگری هم از اعتراض‌هایی که مرتبط با حقوق‌ها ایجاد شده بود با عنوان «فتنه» یاد کرد و منشأ آن را رجالی دانست که بر مشروطه خواه بودن خود قسم هم یاد کرده‌اند (مذاکرات، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۹). این سخن دست کم درباره ظل‌السلطان صدق می‌کرد. او که در آغاز کار مجلس، با ارسال دستخطی خود را همگام با مشروطه اعلام کرده بود، در اعتراض به عملکرد کمیسیون مالیه دو بار به مجلس نامه نوشت. در مرتبه دوم رئیس مجلس خواستار خواندن نامه او شد. شاهزاده در این نامه اذعان کرد که مگر او و «امثال عضدالدوله» مرتکب «خیانت» شده‌اند که حقوق‌شان کم شود؟ تقی‌زاده لحن او را همراه با «عجز و لابه» خواند و اذعان کرد کسر حقوق نشانه صدور خیانت اشخاص نیست (مذاکرات، ۲۶ رمضان ۱۳۲۵: ۴۷۲).^۱

کامران میرزا نایب‌السلطنه، عمو و پدرزن محمدعلی شاه، چهره برجسته و بانفوذ دیگری در میان شاهزادگان بود که حاضر نبودند به نظم جدید تمکین کنند. مجلس حقوق او را که پیش‌تر ۲۹ هزار تومان بود به ۱۲ هزار تومان کاست. زمانی که وی برای منصب وزارت جنگ کابینه امین‌السلطان به مجلس معرفی شد «رندان مضمون کوک» کردند که «بیچاره نایب‌السلطنه در حضور مشهدی باقر بقال نشست و می‌لرزید که مبادا بر او ایرادی بگیرند» (آدمیت، ۱۳۸۷: ۶۰). شیوه تربیت قاجاری چنان در او تأثیر گذاشته بود که تاب تدبیر امور سیاسی به شیوه جدید و پذیرش این موضوع را نداشت که کسانی چون نمایندگان مجلس خود را در ردیف شاهزادگان قرار دهند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۲/ ۲۲۸). اگرچه به ارتباط مستقیم گزارش‌های مرتبط با تأثیر او بر شاه جهت براندازی مجلس و تأسیس انجمنی برای فعالیت بر ضد مشروطه و مجلس (کسروی، ۱۳۷۸: ۲۰۳؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۷۰-۲۷۱) با مسئله کسر حقوق او یاد نشده است، اما احتمالاً این موضوع در این نگرش و رویه برخورد او تأثیر خود را گذاشته است. به‌رحال کامران میرزا در تحریک و نظارت بر او باش در برابر مجلس نقش داشت؛ کسانی که در واکنش به مسئله مالی علیه مجلس شورانده شدند (یزدانی، ۱۳۹۶: ۸۷).

۱. تقی‌زاده در جلسه ۷ رجب هم از آنان چنین یاد کرد: «... اشخاصی که قسم می‌خورند به مشروطیت با جان و دل همراهی کنند، ابداً یک قدم حاضر نیستند، حقوقی را که از دولت می‌خواهند راضی هستند که دولت خودش را اگر شده به آتش بزند و به آنها بدهد: **مشروح مذاکرات مجلس**، ۷ رجب ۱۳۲۵.

کنایه‌های نیش دار عین السلطنه را نیز می‌توان بازتابی از واکنش شاهزادگان کم‌نفوذتر به این اقدامات دانست. عین السلطنه با این که تدوین «کتابچه حقوق» را از «کارهای خوب» مجلس به شمار آورده است، اما از عبارات‌ها و کنایه‌هایی چون «امساک» و «ظلم و تعدی» درباره آن دریغ نکرده است و نارضایتی خود را از قطع مقرری‌ها آشکارا نشان داده است، زیرا در نهایت به خاستگاه قاجاری خود پایبند است (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۸۱۵، ۱۹۱۱؛ ۳۰۱۵/۴). همین سبب شده است تا از نمایندگان با لحنی کنایه آمیز یاد کرده و بنویسد این افراد زمانی کفش دوز یا بقال بوده‌اند و اکنون «به اسم و کالت» مبلغ زیادی دریافت می‌کنند (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳/ ۱۸۳۱، ۱۸۳۳). طرفه این که با وجود نارسا بودن اسناد در ارائه روایتی منسجم از وضعیت حقوق نمایندگان مجلس اول، شواهد حاکی از آن است که برخی نمایندگان حقوقی دریافت نکرده و قرار شده بعدها بخشی از آن حقوق به بازماندگان آنان داده شود (یزدانی / ططری، ۱۳۹۰: ۷۴-۹۵). مجلس با چنین شاهزادگان و البته «متفندان»ی مواجه بود که به تعبیری در کنار دیگر طیف‌ها راه پرسنگلاخی را پیش رویش نهاد (احتشام السلطنه، ۱۳۶۸: ۶۵۳-۶۵۴). مشروطه خواهان می‌دانستند «اصلاح امر مالیه» در گرو مواجهه با «شاهزادگان، وزراء و حکام»ی است که «از هستی این ملت و حاصل این مملکت که تمام عایدات دولت و دارایی ملت را ملک طلق خود دانسته صاحب کرورها ملک و مال شده‌اند». امری که اگرچه از سخت‌بودنش مطلع بودند اما آرمان گرایانه متوقع بودند که این افراد در راه «وطن» بتوانند «تمام هستی خود را در طبق اخلاص» بگذارند (خورشید، ۱۳۶۸: ۴)؛ رخدادی که غیرممکن بود.

شعاع السلطنه	ظل السلطان	نایب السلطنه (کامران میرزا)
۱۱۵ هزار تومان (به همراه مادر و پسرش ۱۳۰ هزار تومان)	۷۵ هزار تومان	۲۹ هزار تومان

(موجب سه تن از شاهزادگان)

عملکرد مجلس در ترازوی نقد

عملکرد مجلس در زمینه مالی داوری‌های متفاوتی در پی داشته است. روزنامه‌تمدن این اقدام مجلس را تأیید نموده است اما آن را زمینه‌ساز مخالفت گروهی دانسته است که «جداً در صدد تخریب» مجلس برآمده بودند. به زعم نویسنده بسیاری از این افراد مدت زمان طولانی بر مشاغل مهم کشور سیطره داشتند و اموری چون دزدی، تقلب و خیانت به وطن، جزئی از طبیعت آنان شده بود (تمدن، سال اول، شماره ۴۷، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۵: ۲). همین تعبیر را ملک‌زاده هم به کار برده است. او از این افراد با تعابیری چون «دزدهای درباری» یاد کرده است که مشروطه و نهاد مجلس آنها را از «مدخل‌های سرشار پیشین» بی‌نصیب کرده بود (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۴-۵/۸۵۴). طالبوف در ذیل دلایل پانگرفتن قانون در ایران، از رجال درباری یاد کرده است که قانون او را با نوکر پیشین‌اش در مقام قضاوت در کنار هم نهاد و ایشان در امر مناصب، مواجب و القاب نمی‌توانستند دیگر «فعال مایشاء» باشند. گروهی که به زعم وی نمی‌توانست رضایت بدهد که اختیارات پیشین‌اش سلب شود و مداخلش را، که از آن تا سقف صد هزار تومان در سال یاد شده است، از دست بدهد (طالبوف، ۱۳۵۷: ۲۳۲). به باور او رجال دولت و متنفذین مملکت به محض شنیدن نام قانون برآشفته می‌شوند، زیرا آن را تهدیدکننده «مداخل»، «مقام» و «مرجعیت‌شان» در ذیل نام قانون می‌دانند (طالبوف، ۱۳۴۷: ۱۳۲-۱۳۳). به همین ترتیب از حیات مجلس اول به عنوان دوره‌ای یاد شده است که در آن «راه دزدی و دخل» بسته شد (تفرشی، ۱۳۵۱: ۱۳۷).

برخی دیگر عملکرد مجلس در این زمینه را تندروی و از جمله موانعی بر شمرده‌اند که بر سر راه این نهاد نوپا قرار گرفت. باورمندان به این نگرش از این اقدام با تعابیری چون اقدامات «بی‌رویه»ی مجلس و «کم‌تجربگی و بی‌خبرتی» نمایندگان یاد کردند که نه تنها سبب شد یک مخالفت سازماندهی شده در برابر مجلس شکل بگیرد بلکه مسیر این مخالفت را نیز هموار کرد (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۸: ۶۵۳-۶۵۴؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲/۹۹، ۱۱۳؛ مجدالاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۲۳۹، ۲۵۲-۲۵۳).

سخن را با اشاره به کلام تقی‌زاده در یکی از جلسات مجلس به پایان می‌بریم که اعتراض به عملکرد کمیسیون را «بهانه»ای برای آشوب‌طلبان دانست و چنین افزود که

مجلس اگر «قوة قهریه» ندارد می‌تواند از «قوة ملیت» خود بهره ببرد (مناکرات، ۱۰ شوال ۱۳۲۵: ۴۹۹). در واقع، عملکرد مجلس اول در زمینه مالی و اصلاح حقوق و مستمری‌ها، تهورآمیز و جدی بود و دست کم در آن مقطع برای حفظ آن به قوه قهریه نیازی نبود. اما واقعیت تلخ نهفته در سخن تقی‌زاده این بود که مجلس و در سطح کلان مشروطه برای ایجاد تغییر در ساختار حاکمیت پیشین در برابر جبهه‌ای ذی‌نفع قرار داشت و چه بسا برای حفظ دستاوردهای خود به قوه قهریه هم نیازمند بود. جالب این‌جاست که بعداً حسین دانش در روزنامه سروش^۱ نوشت که با پشتوانه یک «اردوی ملی» مجلس بهتر می‌توانست از پس ماجرای «قصر و تنزیل مخصصات شاهی» برآید (سروش، نمره ۳: ص ۱). مواجهه مجلس با دو سطح از هسته کهن قدرت و عناصر وابسته به آن نشان داد که این اصلاحات با مقاومت سختی مواجه است؛ امری که به صورت جدی در مجلس دوم و استخدام مورگان شوستر خود را نشان داد. طرفه این که مواجهه مجلس و مورگان شوستر از کشاکش بر سر اموال شعاع‌السلطنه‌ای آغاز شد که در این نوشتار از آن سخن رفت.^۲

نتیجه‌گیری

انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی، فصل جدیدی در تاریخ حاکمیت سیاسی ایران گشود که اصلاح نظام مالی یکی از پیامدهای آن بود. نظام سیاسی برآمده از بستر انقلاب مشروطه در صدد ارائه تعریف جدیدی از حاکمیت سیاسی بر مدار نهاد پارلمان برآمد و مجلس با تشکیل کمیسیون مالیه در جهت نظام‌مند کردن رویه پرداخت حقوق و مستمری‌ها گام برداشت. این اقدام در کنار دیگر عوامل، واکنش تند هسته مرکزی ساختار کهن قدرت را برانگیخت. در این پژوهش کوشش شد بعد مهمی از اصلاح نظام مالی بررسی و به این پرسش پاسخ داده شود که اقدام مجلس اول در کسر حقوق و مستمری‌ها چه تأثیری بر مواجهه مجلس و ساختار کهن قدرت داشت؟ به این منظور، تحلیل رفتار هسته کانونی این ساختار یعنی دربار و شاهدگان انتخاب شد. بررسی واکاوانه اطلاعات

۱. این روزنامه را علی‌اکبر دهخدا در دوره استبداد صغیر طی چهارده شماره در استانبول منتشر کرد.

۲. بنگرید به: شوستر، ۱۳۸۶.

موجود در منابع مرتبط نشان می‌دهد که کمیسیون مالیه توانست با عملکردی مناسب کتابچه‌ای تهیه کرده و سازوکار بسامان‌تری برای پرداخت‌ها طراحی کند تا از این طریق کسری بودجه شش کروری را جبران نماید. عناصر ذی‌نفع ساختار کهن، که می‌کوشیدند اقتدار سنتی خود را با تکیه بر ابزارهای سیاسی و اقتصادی حفظ کنند، با این اقدام مجلس مخالفت ورزیدند. کمیسیون مالی با صدور لایحه کسر حقوق و مستمری‌ها در مقابل کسانی ایستاد که پیش از برقراری نظام مشروطه و در نبود سازمانی مستقل از نهاد قدرت، دست بازی در رتق و فتق امور مالی داشتند. مجلس که گرانیگاه نظام سیاسی جدید بود با این اقدام در برابر شاکله کهن قدرت و وابستگان آن قرار گرفت. در این پژوهش رفتار دو سطح از هسته مرکزی قدرت و وابستگان آن، یعنی شاه و دستگاه سلطنتی و شاهزادگان و اکاوی شد. این دو دسته با بروز مخالفت خود در قالب عریضه‌نویسی به مجلس، تحصن در صحن آن و راه‌انداختن تجمع و اعتراض علیه این نهاد نوپا عملاً تلاش کردند تا عرصه را بر مشروطه‌خواهان تنگ کنند و دست کم در این نمونه موردی، شاکله نظام سنتی پرداخت‌ها را ننگه دارند. مجلس در زمینه اصلاحات مالی و به‌صورت مشخص، کسر مقرری‌ها و مستمری‌ها با در نظر گرفتن موانع مختلف، کارنامه درخوری از خود برجای گذاشت. اما این تجربه نشان داد که نظام مشروطه و مجلس با یک هسته مقاوم و سرسخت در مرکز ساختار قدرت مواجه است؛ واقعیتی که در دوره دوم مجلس شورای ملی و در جریان عملکرد مورگان شوستر هویداتر شد و نشان داد نظام سیاسی نوین راه سختی در پیش دارد.

منابع

- آدमित، فریدون (۱۳۸۷). **مجلس اول و بحران آزادی**. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- آقاحسینی، علی‌رضا (۱۳۸۶). «**اقدامات مالی مجلس اول مشروطه تابعی از سیاست: تحلیل گفتمانی ناکارآمدی مجلس اول مشروطه**»، **تاریخ روابط خارجی**. شماره ۳۳. صص ۲-۳۱.

- احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۸). **خاطرات**. به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی. تهران: زوآر.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجار**. تهران: زمینه.
- اصفهانی، علی (۱۳۸۷). «**ارمغان**» در: **رسائل مشروطیت، مشروطه به روایت موافقان و مخالفان**. به کوشش زرگری نژاد. تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- افشار، ایرج (۱۳۵۸). «**مبارزات دهخدا و یارانش علیه محمدعلی شاه در اروپا (۱)**». **نگین**. خرداد. شماره ۱۶۷. صص ۲۳-۳۴.
- _____ (۱۳۵۹) (به کوشش). **اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده**، انتشارات جاویدان.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). **چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار (مجموعه مقالات)**. تهران: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.
- _____ (۱۳۸۵). «**بررسی تحلیلی چالش‌های سیاسی در نخستین تجربه مشروطه ایران (۱۳۲۶-۱۳۲۴ه.ق)**»، **پژوهش‌نامه علوم انسانی**، شماره ۵۲، ۴۹-۷۶.
- براون، ادوارد (۱۳۳۸). **انقلاب ایران**. ترجمه احمد پژوه. تهران: کانون معرفت.
- بزرگ‌امید، ابوالحسن (۱۳۳۳). **از ماست که بروماست**. تهران: پیروز.
- بهبهانی، میرزا محمد معین‌الاسلام (۱۳۸۵)، **مفتاح‌التمدن فی سیاسه‌المدن**. به کوشش علی اصغر حقدار. تهران: مهرنامگ.
- تفرشی، سیداحمد (۱۳۵۱). **روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران**. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- تقی‌زاده، حسن (۲۵۳۵). **زمینه انقلاب مشروطه (سه خطابه)**. تهران: گام.
- _____ (۱۳۳۷). **مختصر تاریخ مجلس ملی ایران**. برلین: انتشارات اداره روزنامه کاوه.
- جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۴). **گنج شایگان**. تهران: سخن.
- دوستعلی معیرالممالک (بی‌تا). **یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه**. بی‌جا.

- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲). **حیات یحیی**. تهران: عطار و فردوسی.
- **روزنامه خاطرات شرف الدوله** (۱۳۷۷). به کوشش یحیی ذکاء. تهران: فکر روز.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۸). «مجلس اول، بحران‌های مالی و طرح تأسیس بانک ملی». **تاریخ معاصر ایران**. س ۳. ش ۱۰. صص ۱۳۳-۱۷۰.
- _____ (۱۳۸۸). «نقش بانک استقراضی در جلوگیری از تأسیس بانک ملی و بانک آلمانی در ایران عصر مشروطه»، **تاریخ معاصر ایران**، س ۸، ش ۳۰، صص ۶۹-۱۰۴؛
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲). **واقعات اتفاقیه در روزگار**. به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.
- شوستر، مورگان (۱۳۸۶). **اختناق ایران**. تهران: ماهی.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۷). **آزادی و سیاست**. به کوشش ایرج افشار. تهران: سحر.
- _____ (۱۳۴۷). **مسائل الحیات**. تهران.
- ططری، علی و سهراب یزدانی (۱۳۹۰). «کمیسیون‌های تخصصی در نخستین مجلس شورای ملی». **تاریخ ایران**. شماره ۶۸/۵، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- عضدالدوله، میرزا احمدخان (۱۳۷۶). **تاریخ عضدی**. با مقدمه و تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: علم.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). **تاریخ اقتصادی ایران**. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۶). **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، جلد دوم، به کوشش ایرج افشار، مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۷۷). **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، جلد سوم، به کوشش ایرج افشار، مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۷۷). **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، جلد چهارم، به کوشش ایرج افشار، مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- فلور، ویلم (۱۳۹۴). **تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه**. ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- کاظم بیگی، محمد علی (۱۳۸۹). «اصلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران». **تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء**. سال بیستم، دوره جدید. ش ۶. پیاپی ۸۵، ۱۶۳-۲۰۳.

- کرمانی، مجدالاسلام (۱۳۵۱). **تاریخ انحطاط مجلس، فصلی از تاریخ مشروطیت ایران**. مقدمه و توضیح از محمود خلیلی پور. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- کرزن، جرج، ن. (۱۳۶۲). **ایران و قضیه ایران**. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیرکبیر.
- لمبتون، آن. (۱۳۷۷). **مالک و زارع در ایران**. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۸۰). **چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، تعلیقات بر المآثر و الآثار در احوال رجال دوره دربار ناصری**. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۶۴). **سیاحت نامه ابراهیم بیگ**. به کوشش م. ع سپانلو. تهران: اسفار.
- مذاکرات مجلس اول، **توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل** (۱۳۸۴). غلامحسین میرزاصالح. تهران: مازیار.
- **مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران**. چاپخانه مجلس.
- مروارید، یونس (۱۳۷۷). **از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به ادوار مجالس قانون گذاری در دوران مشروطیت**. تهران: اوحدی.
- مستشارالدوله، صادق (۱۳۶۱). **خاطرات و اسناد مستشارالدوله**. به کوشش ایرج افشار. تهران: فردوسی.
- مصدق، محمد (بی تا). **خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق**. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات محمدعلی علمی.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۱). **مشروطه و جمهوری، ریشه های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران**. تهران: گستره.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: انتشارات علمی.
- میرزا ملکم خان (بی تا). **مجموعه آثار**. به کوشش محمد محیط طباطبایی. بی جا: علمی.

- معاصر، حسن (۱۳۵۲). **تاریخ استقرار مشروطیت، مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان**. تهران: ابن سینا.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمد (۱۳۶۲). **تاریخ بیداری ایرانیان**. به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه و نوین.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۶). **کودتاهای ایران**. تهران: نشر نی.
- یزدانی، سهراب، علی ططری (۱۳۹۰). «**تحلیل وضعیت حقوق و مقرری نمایندگان و کارکنان نخستین مجلس شورای ملی**»، **فصلنامه گنجینه اسناد**. سال بیست و یکم. دفتر چهارم. صص ۷۴-۹۵.
- **روزنامه تمدن** سال اول. شماره ۴۷. ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۵.
- **روزنامه خورشید** شماره ۶۸. ۱۸ شوال ۱۳۲۵.
- **روزنامه ندای وطن** شماره ۲۴۶. ۶ ربیع الآخر ۱۳۲۶.
- **روزنامه سروش استانبول** نمره ۳. ۲۵ جمادی الآخر ۱۳۲۷.
- [Edited by] Hans Renders, Binne de Haan, Theoretical discussions of biography, approaches from history, microhistory and life writing, Boston/ Leiden: Brill, 2014, pp. 105- 129.